

بررسی تفاوت‌های تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری در ادبیات دفاع مقدس در گفت‌وگوی «جوان» با یدالله ایزدی، از راویان زمان جنگ

# وفاداری به اصالت متن در تاریخ شفاهی حرف اول را می‌زند

■ احمد محمد تبریزی

دو حوزه تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری در ادبیات مقدس از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و در این چند ساله هر دو حوزه از محبوبیت خارج و با اقبال مخاطبان عام و خاص مواجه شده‌اند. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با انتشار کتاب‌های تاریخ شفاهی که به مرور خاطرات فرماندهان دفاع مقدس می‌پردازد گام‌های مهمی در بیان مسائل مختلف جنگ برداشته است. انتشاراتی‌های زیادی کتاب‌های جذاب و خواندنی زیادی در رابطه با خاطرات رزمندگان یا همسرانشان منتشر کرده‌اند تا حوزه خاطره‌نگاری دفاع مقدس به یکی از حوزه‌های جذاب و فعال ادبی کشور تبدیل شود. یدالله ایزدی از قدیمی‌ترین راویان جنگ و از پژوهشگران دفاع مقدس که چندی پیش کتاب «تاریخ شفاهی دفاع مقدس روایت علی اسحاقی جنگ گفت‌وگو با «جوان» ضمن بررسی و مشکلاتی وضعیت تاریخ شفاهی به بیان تفاوت‌های این حوزه با خاطره‌نگاری می‌پردازد.

**تاریخ شفاهی چه تفاوتی با خاطره‌نگاری دارد و با وجود قالبی مثل خاطره‌نگاری لزوم وجود تاریخ شفاهی چیست؟**
تاریخ شفاهی معمولاً مستند به اسناد، مدارک و شواهدی است که صحت این مدارک، اظهارات راوی را تأیید و تنبیهن می‌کند ولی در خاطره‌نگاری چنین وظیفه‌ای متوجه راوی نیست. راوی ضمن بیان مشاهدات و تجربیاتش تحت عنوان خاطره خیلی در صدد تأیید یا ارائه شواهدی مبنی بر صحت و دقت در اظهارات نیست، اما در تاریخ شفاهی اینگونه نموده و به پژوهش و مطالعات پیشینی نیاز است که بر اساس آن فرد در قالب گفت‌وگوی دوطرفه به سوالات جواب می‌دهد و از یک منطقی تبعیت می‌کند. این منطق ممکن است تاریخی و زمانی باشد. یعنی یک روندی از یک حادثه را بیان کند. مثلاً کسی که فرمانده یا وزیر بوده دوره مدیریتش را روایت کند؛ هم روند زمانی که شامل تقدم و تأخر موضوعات و حوادث می‌شود را ارائه می‌شود. در کل خاطره‌نگاری در صدد ثابت کردن اظهارات بر اساس اسناد و مدارک نیست.

**چپه لزومی دارد وقتی خاطره‌نگاری هست از تاریخ شفاهی بگوییم؟**
عکس این سؤال هم وجود دارد و می‌توانیم بگوییم چه لزومی دارد وقتی تاریخ شفاهی هست از خاطرات گفته شود؟

**به هر حال خاطره‌نگاری مخاطبان خیلی بیشتری دارد.**

در بحث مخاطب‌شناسی قصه اعم و اخص پیش می‌آید. به طور منطقی و طبیعی حوزه خاطره مخاطبان بیشتری دارد ولی حوزه تاریخ شفاهی عمدتاً به مخاطبان خاص برمی‌گردد که ممکن است پژوهشگران، نظامیان و... باشند. ضمن اینکه برای پژوهش‌های تاریخی، تاریخ شفاهی جزو منابع تاریخی به شمار می‌رود. بنابراین در تاریخ شفاهی با کسانی گفت‌وگو می‌شود که در صحنه حضور داشته‌اند و تجربه زیستی دوره تاریخی‌شان را روایت می‌کنند. تاریخ شفاهی چیزی را روایت می‌کند که از لحاظ زمانی و مکانی تجربه زیستی داشته و خودش شاهد حوادث بوده و از منظر خودش حوادث را روایت می‌کند. شاید مخاطب عام نداشته باشد ولی به لحاظ منابع تاریخی از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند. البته

روش‌های ترکیبی در تاریخ شفاهی وجود دارد که با خاطره درمی‌آمیزد و برای مخاطب عام جذاب می‌شود. در تاریخ‌بخش‌هایی از زندگینامه شخصی هم موجود است که سهمش خیلی زیاد نیست. البته روش کار افراد با هم فرق می‌کند و شاید کسی روی بخش خاطره یا زندگینامه شخص بیشتر تمرکز کند.

**نویسندگان خاطره‌نگار هم معتقدند مبتنی بر واقعیت کار می‌کنند و با پژوهششان مانع تحریف واقعیت می‌شوند.**

اگر شما با فرمانده‌ای مصاحبه می‌کنید برای سنجش حرف‌ها عدله و سند نیاز است. معمولاً کسانی که با فرماندهان مصاحبه می‌کنند از جنس راویان دوران حادثه هستند که هم‌سطح فرماندهان اطلاعات دارند و همین کمک زیادی به استناد اصحت‌ها می‌کند. در حوزه خاطره، خاطره‌نگارها هم پژوهش می‌کنند ولی در تاریخ شفاهی وفاداری به اصالت متن اهمیت زیادی دارد. یعنی اگر یک فرمانده موضوعی را روایت کرد باید به تغییر محتوایی حتی شکلی به حرف‌هایش ندهیم. در خاطره دست پژوهشگر خیلی بازتر برای بازروایت است. الان خیلی آثار خاطره‌نگاری که امروز منتشر می‌شود شخص با فرمانده گفت‌وگو می‌کند بعد نویسندهای بر اساس آن روایت به سبک و سیاق خودش متن را می‌نویسد. در تاریخ شفاهی رعایت اصالت متن یک موضوع جدی است. اصلاح جملات هم حداقلی است. سعی می‌شود جمله را با کمترین دخل و تصرف روان‌سازی و گویا کرد. ما سه کار اصلی در تاریخ شفاهی می‌کنیم که شامل روان‌سازی، گویا کردن و رفع ابهام می‌شود. اگر توضیح اضاف‌ای باشد در ضمیمه و پاورقی رعایت می‌شود. در خاطره دست پژوهشگر برای دست زدن به متن بازتر است ولی در تاریخ شفاهی قیدهای زیادی وجود دارد.

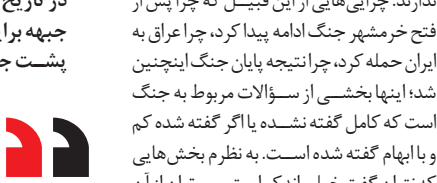
**چرا از نویسندگان فعال در حوزه خاطره‌نگاری برای رعایت زیباترین سبکی در نگارش تاریخ شفاهی استفاده نمی‌شود؟**

در تاریخ شفاهی بیش از زیبا نوشتن اصالت متن اهمیت دارد. در خاطره‌نگاری گاهی راوی شاخ و برگ زیادی به یک حادثه محدود می‌دهد که شاید متن را خیلی جذاب کند و همین باعث بیشتر شدن مخاطب می‌شود گرچه می‌تواند با واقعیت فاصله داشته باشد. در تاریخ شفاهی مجاز به انجام چنین کاری نیستیم و فقط باید متن را

روان‌سازی، گویاسازی و رفع ابهام کرد.

**چه زمانی ملاحظات و ناگفته‌های جنگ گفته خواهد شد و آیا در تاریخ شفاهی سراغ این ناگفته‌ها خواهیم رفت یا همچنان ناگفته خواهیم ماند؟**

باید ناگفته‌ها را تعریف کرد و گاهی گفته نشدن این ناگفته‌ها ناشی از کاستی‌های ماست. موضوع‌های گفتنی زیادی وجود دارد اما مافرصت نگردیم که همه را بگوییم. بخشی از ناگفته‌ها به این شکل است. بسیاری از آدم‌هایی که در صحنه بوده‌اند هنوز حرف‌هایشان را نگفته‌اند که شامل همان ناگفته‌ها می‌شود. درصد کمی از این حرف‌ها شامل ناکامی‌ها و عدم‌الفت‌ها می‌شود که شاید هیچ‌گاه لزومی به بیانشان پیدا نکنیم. معمولاً ناگفته‌ها برای مخاطب جذابیت دارد که بخشی از این ناگفته‌ها شامل سوالات و چرایی‌ها هستند و خیلی با چگونگی‌ها کار ندارند. چرایی‌هایی از این قبیل که چرا پس از فتح خرمشهر جنگ ادامه پیدا کرد، چرا عراق به ایران حمله کرد، چرا نتیجه‌ی پایان جنگ اینچنین شد؛ اینها بخشی از سوالات مربوط به جنگ است که کامل گفته نشده یا اگر گفته شده کم و یا ابهام گفته شده است. به نظرم بخش‌هایی که نتوان گفت خیلی اندک است و می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد و بخشی از مطالبی که باید گفته می‌شد و نشده به خاطر ملاحظات ملی، منطقه‌ای و حکومتی است و بیانش خیلی مشکل‌گشاییست. بخش زیادی از ناگفته‌های جنگ بیشتر به خاطر بی‌دقتی ما به طور کامل گفته نشده است. جنگ اتفاقات بزرگ پر از شکوه و ایثار و مقاومت فراوان یافت می‌شود. مثلاً هنوز در ک درستی از مقاومت مردم عادی در مناطق مرزنشین در



در تاریخ شفاهی بیش از زیبا نوشتن اصالت متن اهمیت دارد. در خاطره‌نگاری گاهی راوی شاخ و برگ زیادی به یک حادثه محدود می‌دهد که شاید متن را خیلی جذاب کند و همین باعث بیشتر شدن مخاطب می‌شود گرچه می‌تواند با واقعیت فاصله داشته باشد



**اهمیت برخوردار است؟**

این سؤال بسیار مهمی در تاریخ شفاهی است که باید به‌دقت به آن بپردازیم. تاریخ شفاهی به زندگی افسراد در حد مدخل و مقدمه ورود می‌کند که کافی نیست. در کل در تاریخ شفاهی باید به نقش اصناف و اقشار مختلف مردم در دفاع مقدس توجه بیشتری کنیم. طیف بسیار وسیعی از مشاغل مثل نانوا، مکانیک، آرایشگر، معلم، دانشجو و... در دفاع مقدس فعال بودند و تمام مشاغل در جامعه حضور داشتند. چون خیل عظیم جمعیت آدم‌ها در جبهه‌نیازهای یک جامعه را دارند و نیاز به همه مشاغل در جبهه بود. تمامی اصناف و اقشار و مشاغل در جبهه حضور داشتند و حتی برخی مشاغل به صورت صف حضور داشتند. مثلاً هر لشکر و قرارگاه روزانه صدها هزار نان طبخ می‌کرد و صف در این زمینه برنامہ‌ریزی می‌کرد تا نیاز لشکر در طول سال را پوشش دهد. همه اینها جای کار دارد و متأسفانه در باره اینها کار نشده است. در تاریخ شفاهی موضوعش فقط فرماندهان نیستند و می‌توان سراغ اقشار دیگر رفت و با آنها گفت‌وگو کرد.

کسانی که در جبهه جنگ‌بند همین آحاد مردم بودند. فرماندهان هم از دل همین مردم به فرماندهی رسیدند و پله پله پیشرفت کردند. برخی از فرماندهان در ارتش شاه تجربه نظامی پیدا کردند که بعداً خیلی به کمکشان آمد. بعداً تجربه در میدان رزم هم کمک زیادی به آنها کرد. بخشی هم به قابلیت فردی‌شان بازگشت که چقدر در این زمینه‌ها استعداد دارند. شهید همت، آقای رحیم صفوی و بسیاری دیگر به همین شکل در جبهه رشد کردند و فرمانده شدند. برخی دیگر تجربه مبارزه مسلحانه و تجربه سازمانی داشتند که این هم در جبهه به کمکشان آمد. همه این تجربیات در کنار هم کمک کرد که رزمندگان در قامت یک سازمان نظامی در مقابل تجاوز دشمن بایستند.

**آیا برای فرماندهان ارتش هم برنامه‌ای دارید؟**

چون مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس متعلق به سپاه است تمرکزش را هم بیشتر روی فرماندهان سپاه قرار داده ولی به صورت پراکنده با فرماندهان ارتش گفت‌وگوهایی داشته است. در تاریخ شفاهی آقایان رحیم‌صفوی، رشید و محسن رضایی فرماندهان ارتش آمده‌اند و بر حسب موضوع صحبت کرده‌اند. به صورت مستقل هنوز برایشان کاری صورت نگرفته و معمولاً خود ارتش چنین کاری را انجام می‌دهد. ما در قالب عملیات‌های مشترک سپاه و ارتش با فرماندهان ارتش یا فرماندهان جهاد صحبت می‌کنیم. حتی با بخشی از آدم‌هایی که مسئولیت نظامی نداشتند مثل مسئولان سیاسی شهرها مثلاً استاندارها هم صحبت کرده‌ایم. یاد مردم برخی موضوعات غیرنظامی مثل پالایشگاه آبادان صحبت شده است چون

نقش خیلی مهمی در مقاومت سال اول جنگ داشته است. پالایشگاه به خاطر سازمان خیلی بزرگش آشپزخانه خیلی بزرگی هم داشت و روزی ۲۰ هزار غذا برای رزمندگان می‌پخت. هم‌بستارستان و آتش‌نشانی داشت و به خاطر ساختارش در یک سال اول جنگ نقش خیلی مهمی ایفا کرد. در پالایشگاه آبادان موضوع جنگ است ولی آدم‌های نظامی نیستند. آموزش و پرورش، مخابرات و بیمارستان‌ها نقش دارند و شهر زنده است و در مقاومت آبادان نقش دارند. صرفاً نظامیان نیستند و باید با غیر نظامیان هم گفت‌وگو کرد و به ابعاد نقشنشان در دفاع مقدس پرداخت.

### یادکرد



گذری بر زندگی جهادی شهید اکبر زجاجی به مناسبت ۱۴ اسفند سالروز شهادتش

## جنگ ما جنگی نیست که تمام شود

کنند. به همین خاطر وقتی برای شرکت در عملیات‌های گسترده به جبهه جنوب بازگشت، در عملیات فتح‌المبین به عنوان مسئول اطلاعات و عملیات و در عملیات رمضان به عنوان فرمانده گردان در لشکر محمد رسول‌الله(ص) وارد عمل شد. این مسئولیت‌ها در حالی بود که شهید زجاجی به عنوان یک بسیجی در جبهه حضور می‌یافت و هنوز به عضویت سپاه در نیامده بود.

■ **فائز مقام لشکر**

مهرماه ۱۳۶۱ بعد از دو سال حضور مداوم در جبهه، شهید زجاجی به عضویت سپاه درآمد. او که رزمنده و فرماندهی شناخته‌شده بود، یک ماه پس از عضویتش در سپاه به عنوان جانشین معاون عملیاتی لشکر ۲۷ منصوب شد و در مرداد سال ۱۳۶۲ هم به عنوان قائم‌مقام لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) معرفی شد و در کنار شهید همت به فعالیت پرداخت.

اکبر زجاجی فردی حساس، نکته‌سنج، خلاق و در عین حال شجاع، جسور و بی‌باک بود. در تجربه و تحلیل مسائل نظامی و سیاسی از توان و درک بالایی برخوردار بود. صبر سعه داشت و از کسی رنجش می‌دل نمی‌گرفت. ساده‌زیستی و قناعت از زبانزد دوست و آشنا بود. یکی از خصوصیات فرماندهی شهید زجاجی این بود

که با نیروهایش، خصوصاً بسیجی‌ها، بسیار با تواضع برخورد می‌کرد. سادگی و رفتارهای بی‌غل و غش او باعث می‌شد تا فرماندهی محبوب در میان نیروهایش به شمار آید.

■ **اکبر و همت**

یکی از نکات بارز در پرونده جهادی شهید زجاجی، انس و الفت او با فرماندهان شهید همت بود. رابطه صمیمانه آنها به قدری بود که به گفته سردار جعفر جهروئی زاده «وقتی شهید همت خبر شهادت زجاجی را شنید از خدا شهادت را طلب کرد و به خواسته‌اش هم رسید». همسر شهید همت نیز تعریف کرده است که سال‌ها بعد از شهادت حاج همت وقتی پسر کوچکش بیمار می‌شود، او از شهید خواب می‌بیند که شهید همت به همراه شهید زجاجی و سوار بر موتور تریل از راه می‌رسند و شهید همت دستی به سر کودک بیمار می‌کشد.

اکبر زجاجی پس از ماه‌ها تلاش و مجاهدت در جبهه‌ها، روز ۱۴ اسفند ۱۳۶۲ در جزیره مجنون در عملیات خیبر بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید. این سخن شهید زجاجی معروف است که می‌گفت: «به برادرانی که از جبهه آمده‌اند بگویید چه کرده‌اید؟ اینها را بنویسید. اینها را ضبط کنید. به خدا قسم این روشمند است. خود اینها یک کتاب می‌شود. جنگ ما جنگی نیست که تمام شود.»

■ **غلامحسین بهبودی**

۱۴ اسفندماه سالروز شهادت سردار اکبر زجاجی است؛ رزمنده‌ای که به‌رغم مجاهدت‌های بیشمارش نام و نشان اندکی دارد. شاید کمتر کسی بداند او در هنگام شهادت، جانشین لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) بود، سابقه جهادی‌اش به حضور در ستاد جنگ‌های نامنظم شهید چمران می‌رسید و وقتی جام شهادت را در خیر سر کشید، به عنوان یک فرمانده با هوش و با استعداد نظامی بالا شناخته می‌شد. در سالروز شهادت این سردار گمنام جبهه‌ها، گذری به زندگی و مجاهداتش می‌اندازیم.

■ **گروه صیام**

فروردین ماه ۱۳۳۸ اکبر زجاجی در یک خانواده مذهبی در کاشان متولد شد. الفبای مبارزه را از دوران تحصیل آموخت و از همان نوجوانی به فعالیت‌های سیاسی پرداخت. شهید زجاجی که بعد از طی هنرستان نساجی کاشان وارد انستیتیو تکنولوژی شهر اصفهان شده بود، در مقطعی مجبور شد دانشگاه را رها کند و به کاشان بازگردد تا در مبارزه علیه رژیم



این سخن شهید زجاجی معروف است که می‌گفت: «به برادرانی که از جبهه آمده‌اند بگویید چه کرده‌اید؟ اینها را بنویسید. اینها را ضبط کنید. به خدا قسم ارزشمند است. خود اینها یک کتاب می‌شود. جنگ ما جنگی نیست که تمام شود.»

فعالیت کند. وی در طول مبارزه خود چند بار با ساواک درگیر شد و یک بار هم مجروحیت یافت. اغلب در مسجد صاحب‌الزمان(عج) فعالیت می‌کرد و در همان زمان یک گروه کوهنوردی به نام صیام تشکیل داد تا در پوشش فعالیت‌های ورزشی به فعالیت‌های سیاسی بپردازد.

■ **فرمانده بسیجی**

آغاز تجاوز ارتش یث عراق به ایران، شروع مقطع دیگری از زندگی شهید زجاجی بود. او در این مقطع با گروه شهید چمران به جبهه رفت و در مناطقی چون خرمشهر، آبادان و سوسنگرد حضور یافت. بعد به جبهه کردستان رفت تا تجربیات حضور در جبهه جنوب را آنجا به کار برد. یکی از اولین مسئولیت‌های شهید زجاجی فرماندهی یکی از محورهای عملیاتی در مریوان بود. عملکرد موفق او در این مسئولیت باعث شد فرماندهان حساب ویژه‌ای روی استعداد نظامی زجاجی باز

					۶		۸
					۸		۷
				۴	۱		۴
				۶	۵		
				۹	۱	۶	
				۷	۳		۵
					۸		
					۲		۵
					۷	۶	۹

۱	۸	۷	۵	۸	۷	۵	۸	۱
۸	۷	۵	۸	۱	۵	۸	۷	۱
۵	۸	۷	۱	۷	۵	۸	۱	۵
۸	۷	۱	۵	۵	۷	۸	۱	۷
۷	۱	۵	۸	۸	۱	۷	۵	۸
۱	۵	۸	۷	۱	۸	۷	۵	۱
۵	۸	۷	۱	۷	۵	۸	۱	۵
۸	۷	۱	۵	۵	۷	۸	۱	۷
۷	۱	۵	۸	۸	۱	۷	۵	۸

### جدول سودو کو

ارقام ۹ تا ۱ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کارورند

### جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۵۶۰۴

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸
۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۶۰۵

#### از راست به چپ

۱- جنگ شاه اسماعیل صفوی با سلطان سلیم عثمانی - کتاب تولستوی ■ ۲- رود فرانسوی - شیخ‌نشین در خلیج فارس - از درختان جنگل‌های شمال - حرف ندا ■ ۳- صفحه لمسی - سایه - ویتامین جدولی - حومه شهر ■ ۴- پوسیده - جامه آخرت - چنین دزدی به کاهدان می‌زند ■ ۵- علف خوردن حیوان - صدا و آواز - ثروتمند ■ ۶- زنیل - آدم سختگیر و خشک مزاج- اصل و نسب - فهمیدن ■ ۷- حمله نظامی - پایتخت کره جنوبی - شهر تشنه فریب - نفس ■ ۸- لوله خونی - بعضی از آن کره می‌گیرند ■ ۹- طاقچه بالا- وسیله پرواز انفرادی- زینت مساجد- شیشه سرکه ■ ۱۰- اشتی - پول خرد امریکایی - بازداشتن - شتر بارکش ■ ۱۱- اهلی و دست‌آموز - حیوان مسابقه‌ای- از رژه می‌بینند ■ ۱۲- میوه ترش و شیرین - یک چهارم - واحد پول قزاقستان ■ ۱۳- گیج- فرار حیوان- رمق آخر - سیلاب ■ ۱۴- اسب آذری - بازار بی رونق - زعفران - گشاده ■ ۱۵- دماسنج - زمینی که در آن کوه بسیار باشد

#### از بالا به پایین

۱- خواب لحظه‌ای - میخ دو سر - دیدن ستارگان - پول تایلند ■ ۲- میوه تصفیه‌کننده خون - گاهی دل هم می‌زند- ریشه نیلوفر - واحد اندازه‌گیری مایعات ■ ۳- کفگیر - آتش سوزی ■ ۴- راندن مزاحم - مساوی - فنی در کشتی - مخفف هستم - کجاست؟ ■ ۵- مراسمی برای معرفی کتاب تازه منتشر شده - شهرت و اعتبار - احترام ■ ۶- زمین آماده برای کشت - سیم چین - بازنده شطرنج ■ ۷- یادداشت- سست و کاهل - طایفه چنگیز- مروارید ■ ۸- مرمت فرش - نام قدیم یمن ■ ۹- جامش معروف است - نارس - اصل و چشمه - حرف صریح ■ ۱۰- از چاشنی‌ها- محتاج غذا- کشتی جنگی ■ ۱۱- نفیس - سرپا مانده ■ ۱۲- موی مجعد- یک و یک- دفعه و مرتبه - ضمیر اشاره - پوزه ■ ۱۳- بلند قامت - بندر صید مروارید ایران ■ ۱۴- صفحات غیراصلی روزنامه‌ها- جای پا- تکرار ش آوای فاخته است- فیلم رسول ملاقلی‌پور ■ ۱۵- دریغ - دستور قاضی- افسرده - برکت سفره